

شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب (س)

عنايت الله شريفى

دورنمایی از زندگی

زینب کبری در سال هفدهم هجری با پسر عموی خود، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد و این ازدواج بر اساس اشاره‌ای که پیامبر خدا ﷺ داشت، صورت گرفت زیرا که حضرت فرمود: «بناتنا لبیننا وبنونا لبناتنا»^(۳).

و ثمره این ازدواج چهار یا پنج فرزند به نام‌های محمد، جعفر، عون، علی و ام کلثوم بود که دو تن از فرزندان آن حضرت به نام‌های «عون» و «محمد» در رکاب دایمی گرامی‌شان امام حسین ﷺ شهید شدند.

حضرت زینب در طول سال‌های زندگی خود با حوادث و مصیبت‌های بسیار تلخی رو به رو شد تا آنجا که به «ام المصائب» شهرت یافت.

برخی از آن حوادث عبارتند از:

۱- رحلت جد بزرگوارش، پیامبر

حضرت زینب - سلام الله علیها - در پنجم ماه جمادی الاولی سال پنجم و یا ششم هجری^(۱) - یعنی دو یا سه سال پس از ولادت برادر بزرگوارش امام حسین ﷺ - در شهر مدینه دیده به جهان گشود، او سومین ثمره‌ی پیوند فرخنده‌ی علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ بود، کنیه‌ی آن حضرت. ام کلثوم و ام الحسن بوده است.^(۲)

لقب‌های حضرت زینب (س)

۱- عقیله. عقیله‌ی بنی هاشم. عقیلة الطالبین. عقیلة النساء. عقیله‌ی قریش.

۲- زینب کبری ۳- صدیقه صغری
۴- عالمه غیر معلمه ۵- عارفه ۶- عامله
۷- شریکه الحسین ۸- شجاعه ۹-
محبوبه مصطفی ۱۰- زاهده ۱۱- باکیه.

خدا ﷺ، در سال دهم هجری - در سن پنج سالگی -.

۲ - پیدایش اختلاف دربارهٔ جانشینی پیامبر اکرم ﷺ، در سال دهم هجری که این خود از بزرگترین مصایب جهان اسلام است.

۳ - شهادت مادرش زهرای اطهره ﷺ در سال دهم هجری.

۴ - مشکلات و مصایب دوران خلافت علی ﷺ (جنگ جمل، صفین و نهروان در سال‌های سی و پنج تا چهلیم هجری).

۵ - شهادت پدر بزرگوارش، علی ﷺ در سال چهلیم هجری.

۶ - شهادت برادر بزرگوارش امام حسن ﷺ و جریان دفن آن حضرت در بقیع در سال پنجاهم هجری.

۷ - جریان عاشورا در سال شصت و یکم از هجرت و شهادت امام حسین ﷺ و یارانش و شهادت فرزنداناش در کربلا.

۸ - اسارت.

فضایل و مناقب حضرت زینب(س)

زینب کبری دارای فضایل و مناقب

بسیاری بود، برخی از القاب آن حضرت خود گویای فضیلت‌های بی‌شمار آن بانوی بزرگوار است. تا آنجا که یکی از بزرگان در این باره می‌گوید:

«فان فضایلها وفواضلها وخصالها وجلالها وعلمها وعملها وعصمتها وعفتها ونورها وضيائها وشرفها وبهائها تالية امها صلوات الله عليها»^(۴).

فضائل و برتری‌های او و خصلت‌های جلالت قدر و علم و عمل و عصمت و عفت و نورانیت و روشنایی و شرف و زیبایی‌اش همچون مادرش زهرا ﷺ است.

مقام علمی

یکی از فضایل و خصایص حضرت زینب(س) مقام علمی اوست، او زنی دانشمند، سخن‌ور، فصیح و بلیغ بود و نایب خاص امام حسین ﷺ در بیان حلال و حرام الهی بود و روایت است که در اسارت هنگامی که امام سجاد ﷺ بیمار بودند مردم در حلال و حرام به زینب(س) مراجعه می‌کردند و او هم پاسخ آنان را می‌داد^(۵).

امام صادق ﷺ برای جواز چاک

دادن گریبان در مصیبت فقدان پدر و برادر و... به فعل و عمل زینب علیها السلام در جریان کربلا استناد می‌کند^(۶).

و از این سخن امام سجاد علیه السلام که در خطاب به عقیله‌ی بنی هاشم می‌فرماید: «یا عمه انت بحمد الله عالمه غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه»^(۷).

«عمه جان تو بحمد الله عالمه‌ای هستی بدون این که معلم داشته باشی و تو فهمیده‌ای هستی بی آن که کسی مطالب را به تو یاد داده باشد». پی می‌بریم که زینب کبری (س) علم و دانش خود را از طریق دیدن استاد و معلم به دست نیاورده، بلکه از جانب خدای تعالی به آن حضرت اعطاء شده است.

درباره‌ی پایان زندگی آن شیرزن کربلا اختلاف است و روشن نیست که در کجا به جوار حق رفته است در مدینه؟ دمشق؟ یا قاهره؟ ولی آنچه مسلم است این است که پس از بازگشت از شام مدت زیادی زنده نبود و در غروب روز پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری به جوار حق شتافته است.^(۸)

شیوه‌ها و سیاست‌های تبلیغی

زینب علیها السلام

چنانچه عاشورا را پدیده‌ای بدانیم که به وجود آورنده آن حسین بن علی علیه السلام باشد پرورش دهنده این پدیده زینب دختر علی علیه السلام خواهد بود.

وظیفه‌ی مهم او پس از عصر عاشورا، پاسداری از نهضت خونین امام حسین علیه السلام و رساندن پیام «هیئات متأ الذله» او برای جهانیان است.

او راه سخت و دشواری را در پیش دارد. او باید در بین جمعیتی سخن بگوید که گویی گوششان ناشنوا و چشمانشان نابیناست و در حماقت و نادانی کامل به سر می‌برند.

او باید از این پس آگاهانه بیاندهد و تصمیم بگیرد و باید از هر حال و شرایط و از هر وضعیت و موقعیت خوب استفاده کند و با زبان حال و قال آنان را از غفلت بیدار کند و به آنان آگاهی و شناخت بدهد تا احساس مسئولیت کنند و آنگاه خواه ناخواه شورش و انقلاب پدید آید.

خطبه‌های آتشین و بلند پایه‌ی

حضرت زینب(س) همه نقشه‌های شوم یزیدیان را بر آب کرد و همچون رعد و برق، روشنگر و کوبنده بود که تمامی بافته‌های سی و چند ساله‌ی بنی‌امیه را از بین برد و شورشی بنیادین علیه بنی‌امیه برنامه‌ریزی کرد و کاخ‌آمویان را برای همیشه لرزاند و واژگون کرد.

کاروان اسیران را از کنار بدن‌های قطعه قطعه شده‌ی شهیدان عبور می‌دادند و زینب(س) پیکر شهدا و بدن پاره پاره شده برادرش را دید خم شد و بدن پاره پاره برادر را در آغوش گرفت و دهانش را روی حلقوم بریده برادر نهاد و می‌بوسید و می‌گفت:

سیاست‌ها و شیوه‌های تبلیغی آن بانوی بزرگوار:

۱- گریه و فغان و برپایی مجالس

عزاداری و سوگواری:

پس از این‌که امام علیه السلام و اصحاب باوفایش به شهادت رسیدند زینب(س) به سرعت به طرف میدان حرکت کرد و وقتی که بدن خونین و پاره پاره برادر را دید شیوه کنان گفت:

«وا اخاه وا سیداه وا اهل بیتاه و سپس گفت: لیست السماء اطبقت علی الارض ولیت الجبال تدکدکت علی السهل»^(۹).

«ای کاش آسمان بر زمین ویران می‌شد و ای کاش کوه‌ها از هم می‌پاشیدند و به بیابان‌ها می‌ریختند.»
و زمانی که به پیشنهاد شمر لعین

«یا اخی لو خیرت بین الرحیل والمقام عندک لاخترت المقام عندک ولو انَّ السَّبَاعَ تَأْكُلُ من لَحْمی»^(۱۰).

«برادرم، اگر مرا بین سکونت در کنار تو - کربلا - و بین رفتن به سوی مدینه مخیر می‌نمودند، سکونت در نزد تو را برمی‌گزیدم، گرچه درندگان بیابان گوشت بدنم را بخورند.

و در برخی از مقاتل آمده است: در این هنگام رو به مدینه کرده و می‌گوید:

«وا محمداه صلی علیک ملائکة السماء، هذا حسینٌ مُرْمَلٌ بالدماءِ مُقَطَّعُ الأَعْضاءِ وبناتک سبایا»^(۱۱).

فریاد ای محمد صلی الله علیه و آله درود فرشتگان آسمان بر تو باد این حسین تو است که در خون غوطه‌ور است، اعضایش قطع شده و دختران تو به عنوان اسیر عبور داده می‌شوند...»

راوی می‌گوید: زینب کبری - سلام
 الله علیها - به گونه‌ای روضه خواند و گریه
 کرد که:
 فَأَبْكَّتْ وَاللَّهِ كَلَّ عَدُوٌّ وَصَدِيقِي (۱۲)
 «سوگند به خدا هر دوست و دشمن از
 گریه و گفتار زینب (س) گریه کرد».
 محتشم کاشانی در دوازده بند
 معروف خود در این باره چنین سروده
 است:

* * *

«ناگاد چشم دختر زهرا در آن میدان
 بسر پیکر شریف امام زمان فتاد
 بی اختیار نعردهی «هذا حسین» از او
 سر زد چنان که آتش ازو در جهان فتاد
 پس با زبان پرگله آن بضعة الرسول
 رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول
 این کشته فتاده به هامون حسین توست
 وین صید دست و پا زده در خون حسین توست
 این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی
 دود از زمین رسانده به گردون حسین توست
 این ماهی فتاده به دریای خون که هست
 زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست
 این خشک لب فتادهی دور از لب فرات
 کز خون او زمین شده جیحون حسین توست
 این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه
 خرگاه زین جهان زده بیرون حسین توست
 این قالب طپان که چنین مانده بر زمین
 شاه شهید ناشده مدفون حسین توست» (۱۳)

آنچه از این گونه اقدامات آن حضرت به دست می‌آید. این است که او می‌خواهد با این ناله‌های جان سوز ولی آگاهانه و بیدار کننده.

درس‌های آموزنده به لشکریان فرومایه دشمن دهد او باید به آنان بفهماند که چه جنایت‌هایی کرده‌اند و باید به آن لشکر جنایت‌کار کوفه بفهماند که جنگ‌شان، جنگ با قرآن، آورنده قرآن، و ایمان آورندگان به قرآن بوده است.

او می‌خواهد با این ناله‌های جان سوز عواطف و احساسات مردم را تحریک نماید و آنان خود به خود علیه استبداد و یزیدیان قیام و شورش کنند و می‌بینیم که چنین کرد.

مدتی که در شام اقامت داشت در محله‌ای به نام «دار الحجارة» مراسم عزاداری برپا کرد و آن چنان عزاداری و نوحه سرایی و گریه و زاری می‌کردند که مردمی که در آنجا شرکت می‌کردند تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم برند و او را به قتل برسانند (۱۴).

و باز آن بانوی ستم‌دیده را می‌بینیم که پس تحمل آن همه

مصیبت‌ها و رنج‌ها به مدینه بازگشته و در شهر پیامبر ﷺ و در خانه خود به سوگواری بر امام ﷺ و دیگر یاران او می‌پردازد، در این مراسم عزاداری، هر روز گروه گروه از زنان مدینه به خدمت آن حضرت آمده، ضمن تسلیت به ایشان، به ندبه و گریه می‌پردازند تا آنجا که به تدریج زنان قبایل و عشایر، تصمیم به خونخواهی شهدای کربلا می‌گیرند و قیام می‌کنند (۱۵).

۲- خطابه و سخنرانی

هنگامی که کاروان اسیران، در آن جو پر از ظلم و خفقان به کوفه رسید، زنان، مردان و کودکان کوفه همه به معابر آمده تا مغلوبین و اسراء را تماشا کنند، برخی ناراحت و برخی بهت زده و گروهی از شدت تأثر اشک می‌ریختند.

حضرت زینب (س) موقعیت را تشخیص داد و نگاهی به مردم کرد و با اشاره خواست همه سکوت کنند و با انتخاب بهترین فرصت‌ها و زیباترین کلمات و جملات و با شجاعتی بی‌نظیر و علی‌وار بر مسند خطابه ایستاد.

فرازهایی از خطبه‌های آن مظلومه را در این قسمت نقل نموده و به تحلیل برخی از نکات آن می‌پردازیم:

«الحمد لله والصلوة على ابي محمد وآله الطيبين الاخيار، اما بعد يا اهل الكوفة، يا اهل الختل والغدر أتبكون؟ فلا رقات الدمعة ولا هدأت الرنة، إنما مثلكم كمثل التي نقصت عزها من بعد قوة أنكاثا تتخذون إيمانكم دخلاً بينكم، ألا وهل فيكم الا الصلف والنطف والصدز الشنف وملق الاماء وعمز الاعداء وهل انتم الا كمرعي على دمنة أو كفضة على ملخودة...» (۱۶).

«حمد و سپاس مخصوص خداوند است و درود بر پدرم محمد و اهل بیت پاک و برگزیده او باد، اما بعد هان ای مردم کوفه ای اهل نیرنگ و فریب، گریه می‌کنید؟ ای کاش هیچ‌گاه اشک چشم‌هایتان تمام نشود و هرگز ناله‌هایتان خاموش نگردد، همانا مثل شما مثل زنی است که رشته‌ی خویش را پس از خوب تابیدن، باز می‌کرد، شما سوگندهای خود را دست‌آویز فساد، در میان خویش قرار داده‌اید، آیا در شما جز چاپلوسی و آلودگی و سینه‌های پرکینه و

تملق‌گویی کنیزان و خریدن ناز دشمنان دین، خصلتی هست؟ مثل شما، مثل گیاه و علفی است که در مزبله می‌روید یا نقره‌ای آرایش قبیری به آن عوده می‌شود...

او در ابتدای خطبه از پیامبر ﷺ تعبیر به پدر می‌کند و با انتخاب این کلمه، می‌خواهد خود و قافله اسیران را معرفی کند و نسبت خویش را با پیامبر روشن سازد تا همگان دریابند اهل این قافله از کدام دودمان و قبیله‌اند و از این راه افکار و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و مردم آنان را با دیده اسیر ننگرند و سپس به بزرگترین نقطه ضعف کوفیان یعنی سست عنصری و پیمان شکنی آنان اشاره می‌کند و با این کلمات و جملات می‌خواهد آنان را بر این خصلت آگاه سازد.

و در فرازی دیگر از خطبه با نگرش دقیق و ظریف با صفاتی همچون «درمان دردها»، «چراغ راه امت»، «پناهگاه جمع» و... به معرفی شخصیت امام ﷺ می‌پردازد تا جای شک و تردیدی برای آن قوم سست عهد باقی نماند. او همچنان با مردم سخن می‌گفت و آنان را

کشنده حسین علیه السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله

معرفی می‌کرد. سخنان او کاملاً صحنه را تغییر داد تا آنجا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان موهای خود را افشان کرده بودند و خاک بر سر و روی خود می‌ریختند.

او صحنه‌ی دیگری از قیامت را در برابر مردم قرار داد، در آن روز مردم کوفه از شنیدن این سخنان، همچون ستمکاران در قیامت، حیران و سرگردان شده و دست‌های خود را به دهان می‌گزیدند (۱۷).

آن استاد بی‌معلم نه تنها با مردم کوفه سخن گفت و آنان را بر آن کار زشتی که مرتکب شده بودند ملامت و سرزنش کرده، در دار الاماره ابن زیاد نیز چنان نیرومندان ایستاد و پرخاش گرانه سخن گفت و او را حقیر و کوچک شمرد که توان سخن گفتن را از او گرفت.

و پس از ورود به شام و حضور در مجلس یزید با سخنان علی‌گونه‌اش چنان او را رسوا کرد و او را به گریه واداشت که توان پاسخ گفتن از او سلب شد.

۳- سیاه پوشی

یکی از عواملی که سبب موفقیت زینب(س) شد عقل و تدبیر او بود، اصلاً قبل از این‌که عاشورایی و اسارتی در کار باشد، زینب به عقل و تدبیر معروف و مشهور بود به طوری که به او القاب، عقیده بنی هاشم عقيلة النساء و... لقب داده‌اند.

عقل و تدبیر زینب به گونه‌ای بود که توانست در کارهایش بیشتر موفق شود و در غیر این صورت نمی‌توانست در برابر یزید و اطرافیان حيله‌باز و مزورش موفق شود.

از جمله کارهای مدبرانه حضرت زینب(س) برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه‌پوش نمودن محمل‌ها بود که فرمود:

«اجعلوها سوداء حتى يعلم الناس،
انفا فی مصیبة وعزاء لقتل اولاد
الزهراء(س)».

«محمل‌ها را سیاه‌پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا هستیم».

هر چند این گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی ارزش بود ولی در حقیقت همین کارهای بالارزش زمینه‌ساز قیام و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست کاخ یزیدیان را متزلزل کند.

۴- رفتارهای عالمانه

یکی از عوامل موفقیت زینب (س) در رساندن پیام حسین علیه السلام به جهانیان، تبلیغ با عمل بوده است او همواره تلاش می کرد که به وظیفه الهی خود عمل کند و در رعایت حلال و حرام الهی هیچ گونه سهل انگاری نمی کرد و از هیچ وظیفه شرعی فروگذار نمی کرد.

نقل است که وقتی اسرا را وارد کوفه کردند، مردم کوفه از روی ترحم به اطفال و اسیران نان و خرما می دادند، ام کلثوم^(۱۸) فریاد می زد: ای اهل کوفه! صدقه بر ما حرام است و آنان را از دست و دهان بچه‌ها می گرفت و به سوی مردم می انداخت^(۱۹).

حتی حاضر می شود نان و غذای خود را بین بچه‌ها تقسیم کند و سه روز یا بیشتر چیزی نخورد ولی اجازه

نمی دهد که ذره‌ای از صدقه را تناول کنند.

یکی از موارد عملی تبلیغ حضرت زینب (س) حفظ حجاب است، او نه تنها در حالت عادی، بلکه در بحرانی ترین لحظات زندگی اهتمام زیادی در حفظ خود از انظار و دیده‌های مردم داشت.

راوی می گوید: وقتی از حج برمی گشتم، وارد کوفه شدم، دیدم اسرا را وارد کوفه کرده‌اند امام سجاد علیه السلام را دیدم که بر شتری بدون روپوش سوار بوده و از پاهایش خون جاری بود در این هنگام بانویی را دیدم که بر شتری برهنه سوار است، سؤال کردم، او کیست؟

گفتند: زینب کبری است. فریاد می زد: ای مردم چشم‌های خود را از ما بپوشانید آیا از خدا و رسولش حیاء نمی کنید که به حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که پوششی ندارند می نگرید^(۲۰).

او می خواهد با عمل و رفتار خود به جهانیان بفهماند که حسین علیه السلام و یارانش برای احیای احکام الهی شهید شده‌اند و زنان و کودکانش به همین دلیل به اسارت می روند و بنی امیه و دستگاه حاکمه یزید نسبت به احکام

الهی نه تنها بی اعتنا هستند بلکه احکام
الهی را واژگون کرده‌اند.

وحفیف الشجر ودوی الماء یا الله، یا الله،
یا الله» (۲۲).

۵- دعا و عبادت

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغی
حضرت زینب - سلام الله علیها - دعا و
عبادت است. او همواره می‌دانست که
دشمنان در انتظارند تا کوچک‌ترین
واکنش یا کلامی را جستجو کنند که
نشانه‌ای از ضعف خاندان پیامبر ﷺ
باشد و از این رو او برای این که دشمنان
را مأیوس کند در روز یازدهم وقتی که در
کنار جسد برادر آمد توقف کرد و با
خلوصی خاص متوجه خدا گردید و
عرض کرد:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا قَلِيلَ الْقُرْبَانِ» (۲۱)

خداوندا این قربانی کوچک را از ما قبول
کن.

از دعایی که حضرت زینب (س)
نمود می‌توان دریافت که با همه این
مصایب و مشکلات باز هم در برابر
توفان‌های کوبنده ایستاده است و با
خدای خود می‌گوید: «بَاعِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ
لَهُ وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا مَنْ سَجَدَ لَكَ
سَوَادُ اللَّيْلِ وَبِيَاضِ النَّهَارِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ

ای پناهگاه آن که جز تو پناهی
ندارد، ای تکیه‌گاه آن که جز تو
پشتوانه‌ای نمی‌شناسد، ای خدایی که
سیاهی شب و سپیدی روز و روشنایی
خورشید و صدای آرام درخت و آب بر تو
سجده می‌کنند، ای خدا، ای خدا، ای
خدا. و نیز در خطبه‌ای که در مجلس
یزید بیان کرد این گونه دعا می‌کند:

«... اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَانْتَقِمْ مِنَّا
ظَالِمَنَا وَاجْعَلْ غَضَبِكَ عَلَيَّ مَنْ سَفَكَ
دِمَائِنَا وَنَقَضَ دِمَاؤُنَا وَقَتَلَ حِمَاتِنَا وَهَتَكَ
عَنَا سِدُونَنَا» (۲۳).

خدایا حق ما را باز گیر و از آن کس
که به ما ستم کرد انتقام بگیر و خشم
خود را بر کسی که خون‌های ما را ریخت
و عهد ما را شکست، و یاران ما را کشت و
از ما پرده دری کرد فرود آر.

۶- بکارگیری اصول روان‌شناسی

لازم به ذکر است گرچه اصول
روانشناسی در تبلیغ به صورت کلاسیک
از ابتکارات علوم معاصر است ولی در
تبلیغات اصیل آسمانی نیز مورد توجه

قرار گرفته است و سیره رهبران و ائمه اطهار علیهم السلام نشان می‌دهد که آنان در تبلیغ به اصول روانشناسی فردی و اجتماعی توجه کامل داشته‌اند.

حضرت زینب (س) نیز، در امر رساندن پیام امام حسین علیه السلام به جهانیان، از این اصول از جمله تحقیر دشمنان، تکریم دوستان، تحریک عواطف و مخاطب شناسی استفاده نموده است.

وقتی که با کوفیان سخن می‌گوید، در آغاز خطبه بر اصالت خاندان خودش تأکید می‌ورزد و از پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر به پدر می‌کند تا عواطف و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و آنان خود بخود آماده قیام و شورش شوند.

و در فراز اول خطابه خود به بزرگترین نقطه ضعف کوفیان یعنی سست عنصری و عهد شکنی اشاره می‌کند و آنان را از این راه تحقیر می‌کند. و باز آن بانوی بزرگوار را می‌بینیم که در کاخ ابن زیاد، او را «پسر مرجانه» می‌خواند که برای عبیدالله توهین‌آمیزترین و رسواکننده‌ترین القاب است که حاکی از نامشروع بودن وجود وی و بدنام بودن مادرش می‌باشد و آن چنان

ضربه بر پیکر لرزان عبیدالله می‌زند که تصمیم به قتل زینب (س) می‌گیرد.

و در فرازی از خطبه آتشین خود در خطاب به یزید به معرفی یزید، پدر، جد و جده اش می‌پردازد و بر اصالت خاندان خود تأکید می‌ورزد و می‌فرماید:

«وکیف یرتجی مُراقبة من لفظ فوه
اکباد الاذکیاء ونبت لحمه من دماء
الشهداء...» (۲۴).

«و چگونه توقع و امید دلسوزی از آن کسی باشد که دهانش جگر پاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان روئید...»

و نیز از مقایسه بین دو خطبه‌ای که در کوفه و شام بیان فرمود به این نتیجه می‌رسیم که اصل مخاطب شناسی را کاملاً رعایت کرده است، زیرا که در کوفه اکثر مخاطبین او عموم مردمند که در جهل و ناآگاهی به سر می‌برند و به مقتضای حال، سخن را در خور فهم مخاطبین بیان می‌نماید. و آنان را از جنایتی که مرتکب شده‌اند و نیز از شخصیت شهیدان آگاه می‌سازد. ولی در شام در مجلس یزید، چون خواص حضور دارند و همه دارای آگاهی نسبت

۴ - طراز المذهب، ص ۶ به نقل از کتاب زینب کبری (س) عقيله بنی هاشم، حسن الهی، ص ۸۴ - ۸۳.

۵ - زینب کبری، نقدی، جعفر، ص ۳۵.

۶ - جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۰۷.

۷ - بحار الانوار مجلسی، ج ۴۵، ص ۶۴.

۸ - زندگانی فاطمه زهرا، شهیدی، جعفر، ص ۲۶۲ - ۲۶۱.

۹ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۵۴.

۱۰ - معالی السبطين، ج ۲، ص ۵۵.

۱۱ - سوگنامه آل محمد، ص ۳۹۳.

۱۲ - معالی السبطين، ص ۳۱؛ بحار ج ۴۵ ص ۵۹؛ نفس المهموم، ص ۲۱۰.

۱۳ - دیوان محتشم، بند ۸ و ۹.

۱۴ - جزایری، سید نور الدین، خصایص زینبیه، ص ۲۹۶.

۱۵ - عمادزاده، حسین، حضرت زینب کبری (س)، ص ۱۵۰.

۱۶ - ترجمه لهوف ص ۱۴۶ - ۱۴۸.

۱۷ - فرقان ۲۵: «وَيَوْمَ نَعُضُّ الظَّالِمَ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً» روزی که ستمگر دستان خود را به دندان گزد و می گوید: ای کاش راهی را که رسول در پیش گرفته بود، در پیش گرفته بودم.

۱۸ - برخی بر این باورند که ام کلثوم در اینجا همان زینب (س) است.

۱۹ - بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۱۴.

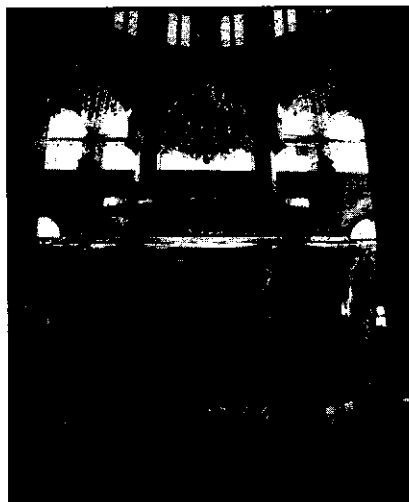
۲۰ - مقتل مقرر، ص ۳۷۱.

۲۱ - همان ص ۳۰۷.

۲۲ - آل بیت النبی فی مصر، ص ۵۳ - ۵۲ به نقل از کتاب پیام آور عاشورا، ص ۲۸۸.

۲۳ - بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۳ - ۱۳۳.

۲۴ - بحار، ج ۴۵، ص ۱۳۳ - ۱۳۵.



به امور هستند لحن خطاب فرق می کند و در نتیجه به رسوا کردن و مأیوس نمودن یزیدیان می پردازد.

آنچه اشاره شد اجمالی از سیاستها و شیوه های تبلیغی آن بزرگوار بود. شیوه های دیگری از قبیل شجاعت، شهامت، فصاحت و بلاغت و وقت شناسی از دیگر روش های تبلیغی آن بزرگوار بوده است.

پی نوشتها:

- ۱ - اخبار الزینبات، ابوالحسن یحیی بن حسن علوی، ص ۲۳.
- ۲ - زینب کبری (س)، عقيله بنی هاشم، حسن الهی (بوته کار)، ص ۶۲.
- ۳ - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۹۳.